

باورهای :

کردارهای :

مسائل دینی :

مسائل :

مسائل :

چهارم : مسائل

غیره

مسائل ها، ها و وسایل

مسائل ایقاعات قراردادهای

هفتم : مسائل متفرقه

هشتم : مسائل ولایت

خاتمه

تقسیمات

- غیری

-

- عینی کفایی

- تعیینی تخییری

-

-

-

-

- مضیق

- غیر

-

هذه سبيلي اليه بصيرة  
 اين طريق هاي  
 كه بصيرت بنيابي به  
 آخرين دين . گرفته همه  
 اين به انسانهاي  
 شريعت برنامه ديني حياتي  
 هستند كه بيان پيامبر  
 كه دين هدايت تربيت جامعه  
 عليه آله به عرضه اهدا .  
 آنچه برگرفته  
 خلاصه شريعت تنظيم گرديده .  
 دين ادله به  
 اين به به جامعيت  
 به نظير زمينه عرضه  
 مقدمه  
 لحمد لله العالمين رسوله آله الطاهرين اعدائهم اجمعين  
 كردهاي :  
 - عقيدتي نظير تصديقات  
 - ظاهري گفتارهاي هر يك  
 هاي عقيدتي اهميت تاثيرش بيشتر چه آنكه رتبه هاي مرتبه  
 زيرا عقايد يافته  
 اين تنظيم  
 - ظاهري  
 به :  
 ( عقايد عظيم )  
 به عقايد، ايمان  
 به رتبه والايي  
 عظيم به رتبه والايي  
 گويي همه خواسته هاي  
 عيني هر ميبين هر  
 كه به تحصيل اين  
 هر مسئوليت  
 شديد  
 اينك به اين وظيفه خطير، اين  
 به واسطه تصحيح عقايد به ايمان  
 به وسيله  
 تقديم جامعه  
 گيرند؛  
 نتيجه  
 الذين

( این که میان آیات الهی روایات اهل بیت علیهم  
 های اینجاست . اینجاست که دیدیم تقدیم  
 داشتیم .

دیگری نیز میان های فتوایی فقهاء مکروهات  
 طهارت غیره .  
 ها ها سایر نمودیم . که تکالیف مسئولیت کفرزا این  
 نیست .  
 رعایت مکروهات رعایت غیر تکلیفی نیز به  
 نیست .

باورهای :

گونه : (که همه معتقدیم کنیم .)

- : که به توجه ذهن ایجاد هر به یافتن حقیقت  
 تردید این زیر:
- معتقدیم به شریک آفرینش سرچشمه هستی معتقدیم به وحدانیت یگانگی  
 یعنی : اله .
- معتقدیم به عیبی هر عیبی . آراسته به همه  
 های نیکو حسنه .
- معتقدیم به عامه بدین که پیامبرانی هدایت تعلیم تربیت جامعه  
 به وسیله آنها دینی به هدایت تعلیم تربیت جامعه  
 . به پیامبرانی که مجید تفصیلی به که
- معتقدیم به علیه آله پیامبر  
 نیز معتقدیم به دین بدین که جامعه نیاز به پیامبر  
 دینی دیگر زیرا دین وظایف که
- داشته مذهب تشیع حیات این جهان نیازمند خواهد . هم این مسأله دیگران  
 غیر خواهد زیرا مهدی علیه ظهورش همه پیامبر  
 جامعه آنها تغییر دهد . جمله ولایت الهی که مقتضیات
- معتقدیم به بدین که همه هایی که به دنیا  
 این جهان طبیعت جهان محیطی به به  
 قیامت یابند . این حادثه عظیم سابقه لاحقه اجنه  
 همه حیوانات نیز خواهند .

- معتقدیم به آله ولایت جامعه به وظیفه خطیر
- تشریحی به ترتیب . همچنین تردید معتقدیم که
- یعنی اینکه جانشینی
- علیه این
- معتقدیم که پیامبر معین یازده دیگر
- خویش به تعیین فاطمه به ترتیب زیر:
- اکید که آنها حسین
- به ترتیب به حسین
- مهدی غیبت خواهد
- یازده که ادامه که
- یازده که ظهور
- هجری ظهور
- جهان
- معتقدیم که یگانه نه هیچ راهی
- مجید، این جاویدان غیر به تحریف
- عظیم الهی که شریف پیامبر آیه یا نیافته
- مسلمین به جامعه مسلمین
- به گردیده
- نه آیه یا
- افزافه
- نه آیه یا
- تحقیق آنها
- تحقیق واقعیت آنها
- شبهات جایز نیست این
- که تحقیق
- زیر:
- نیست بلکه باورهای
- تردید هم آنها دهد
- آنها دلیل
- معتقدیم نیستند، به حقیقت
- نیست چیزی هر
- چیزی هم پیامبران
- جهان
- معتقدیم به ملائکه الهی یاد، به ویژه آنهایی که اجنه شیاطین هر يك
- معتقدیم به همه آله
- همه پیامبران پیغمبر
- تفصیلی به آنهایی
- که داریم
- معتقدیم به یعنی کتابهای دریافت
- پیامبران الهی به جامعه کیفیت
- اینکه همه ادیان الهی دیگری نیز
- آنها
- آنها سه گونه
- ظاهری
- ( يك ) الهی به پیامبر، راهی غیر
- ( ) سامعه
- یت چیزی
- ( سه ) فرشته پیامبر به به
- روباروی
- همه پیامبران یافته
- آنها
- ها
- قضایای

- معتقدیم به مصونیت همه پیامبران الهی دینی بدین که هیچ معصیت نه نه صغیره نه کبیره نه نه همچنین آنها نه مرحله فرآگیری ناحیه نه مرحله آنها به وسیله یا نه مرحله پیاده آنها جامعه نه مرحله آنها.
- معتقدیم به نزدیکان آنها، پیامبر هر يك ائمه معصومین دیگر .
- یعنی آنها
- به آنها همراه
- یا آنها هر به
- یا به به که مسیحیان عیسی علیه گفته
- یا به آنها به یکی ویژه خالقیت ها زمین خالقیت ها حیوانات رازقیت همه ها، میراندن جاندارها غیره . بیشتر
- معتقدیم به تحریف مجید مجموعه این که مسلمین جهان یعنی این همان که فرشته به پیامبر علیه نویسدگان به وسیله نویسندگان سایر هرگونه تحریف به رسیده نه يك آیه یا اضافه نه يك آیه یا گردیده
- ! این همان که پیامبر بسته همان که همان که
- معتقدیم دوازدهم علیه مهدی شریف ایشان به پیامبر به رهبری حاکمیت همه زمین گردیده غیبت عهده ولایت ظهور جهان غیبی حاکمیت الهی جامعه به مدینه فاصله فرماید. که مشیت
- معتقدیم پیامبر به وسیله تعلیم الهی به همه دین کریم همه های پیامبران گذشته همه پیامبر سایر الهی غیبی که آنها بیرون نیز همین عقیده داریم .
- معتقدیم به حجبت مجید. یعنی پذیرفتن هر دینی هر شرایط که صریح یا ظاهر
- معتقدیم به پیامبر حجبت . پیامبر علیه آله غیر مجید، که به دین الهی بیان . همچنین معتقدیم که پیامبر به هر چه به وسیله آنها به دیگران رسیده همه خطاها، شذاهات تحریفات . همه جهانیان به وسیله

تبرئه	خطاها به این	محاکمه خواهند	خواهد	ها نیز	ادعاها یا
-	معتقدیم به حجیت همانند الهی خواهد	سلیم کریم همه	بدین که بالغه برهان	هر قیامت همه گناهان	به محکمه محکومیت
-	معتقدیم به نیستی	جهان هستی یعنی هستی بخشیده یعنی که	همه	الهی	مشیت بالغه خویش
-	اختیاری	معتقدیم به	بین الامرین یعنی هر که	هم	
به	که تامه	هیچ	تکوینی نداشته یاری	نه	نه
	به وسیله	که	تکوینی نداشته	همانند	
بنابراین	بین الامرین یعنی نیست گرچه این به	تکوینی	جهت دیگر	این جهت بین کارهای خیر	به جنبه
تشریحی	اختیاری		به	این امتیازها	
-	معتقدیم به انسانهایی که بهشت	یعنی جهان بیرون	فاصله بین دنیا جایگاه	قیامت که	همه هستند
:	منین	که بیدار		که به	سه دسته :
:		که بیدار			
:	انسانهای نامیده	که قیامت	که	شبیبه به	که
-	معتقدیم که همه مکلفین خواهد	قیامت	عقاید	محاکمه	خواهد یعنی
کوچکترین		نیز همه	آنها	عقاید گرفته	هر
-	معتقدیم به عقیدتی	شهادت	قیامت	محاکمه	یعنی تبهکاران
یا	نرسیدن	یا	هول	پیامبران یا	دین
شاهدانی	یا	یا	یا	یا	دیگران
خواهد		یا ناحیه پیامبران	مدعیان	اقامه گردیده	آنها
	جمله شهود نویسندگان خیرات آنها	نیز پیامبران هر شهادتی که	اوصیای پیامبران	ها	هایی که

معتقدیم به	یعنی عملاهای خیر	هر	چه	
چه	های ظاهری	چه	ارزیابی	های نیک
گیرد	تشخیص متخصصین	جهان	یا کیفر	این
سنگین	های			
معتقدیم که همه کارهای خیر	دنیا،	هنگامی که	تمییز	پیدا
لحظه	این	نوشته	به	آخرین
یا	عقاید		صغیره	تدوین
کبیره			محاکمه	به
خواهد				
معتقدیم به	یعنی	گناهکاران	به	جهنم
به	خواهد	بدین وسیله	خواهد بخشید	
به	به	یا مجرمین	انبیای	
شهدا	خواهند			
گناهان	نه			
یا تخفیف	احیانا	اهل بهشت هم خواهد	یعنی	دسته
اهل بهشت که	رتبه	پایین	به وسیله	یا بیشتر به
خواهند				
معتقدیم به بهشت	قیامت یعنی	محاسبه	خاتمه یافت	نیکان
به	نیک			
یا به وسیله	بهشت که	زیبایی	ناپذیر	
به	بهشت	غرفه ها،	ها،	میوه
خواهد	خدمه	این محیط	دیگر	خواهد
همسران کنیزان	غصه	نیز هیچ گونه	هیچ	
پیری	آفریده	معتقدیم به جهنم		قیامت
یعنی	که	کیفر شدید	های	
به	به	خواهند جهنم	که	
جهنم	بیرون	که گناهان		
	کردارهای			
	:			
	مسائل			
	دینی			
هر	به	دین	تحصیل	به
برنامه های	دین	بگیرد		مذهب
که به	یقین	پیدا	که	مرحله
عده	عده	که باید	این	دین
برنامه	نیز نامیده			

- به خواهد، نمایند، وگرنه  
 به یعنی آنها توجه به اینکه هر راهی تحصیل آنها خواهد .
- مساءله هر تحصیل اجتهاد فقاهت بدین که باید همه الهی احادیث پیامبر اهل بیت معصومین علیهم یا خویشتن اعیاناً دیگران نماید، این اجتهاد فقاهت فراموش نیست . این شرایط زیاد فرسای
- که اجتهاد یا تقلید بدین که به مجتهد فقیه شرایطی که پیموده . بنابراین اجتهاد تقلید مراجع نمایند، رسیدن به بین مخیر
- گفته دینی بنابر این رسیده به دین که احتیاط دهد بنابر این رسیده به دین .
- تقلید یا معامله یا غیر اینها؛ باید هر ابتلایی که مراجع به فقیه تکلیف یا تقلید
- یک همگی باید تقلید نمایند. داشته یا نزدیک به هم هر که خواهد تقلید آنها یکی بقیه
- یا اشتباه، چه غیر شرایط یا شرایط تقلید شرایط، چه تقلید یافته
- میت . هر میت مسأله غیر مسأله دیگر مجتهد تقلید میت یا به مجتهد همه که مجتهد میت یا به مجتهد
- کفایی به وظایف مذهبی خویش تعلیم تربیت دیگران هدایت هر منطقه که دین ها.
- اهداف سه گانه زیر : به تشکیل دینی های به تعیین گروهی که آنها
- ( جاهلان به خیر یعنی دین فاضله که وسیله
- ( به هر نیک .



			هر	( نهی
این	کفایی	همه مسلمین یا همه مکلفینند،	شاعلین	های
آنها	دینی هستند.	مسلمین	کفایی	ها
متوجه	تهیه	جامعه	نیازمند	قهرآ
	مخاطبین خواهد		آنها.	
-	جاهل	یعنی هدایت	تعلیم	دینی به آنها،
چه	چه	آنها؛ این	اهم	تشکیل
				هاست .
-		که		دینی
	یا فتوایی	فقیه نماید، یا		نظیر
این	گویند. یعنی		اطمینان	وگرنه
				نیست .
- چنانچه				یعنی
	ها،	تکبیره	غیره	همچنین
	به قبله		شرایط	یاد
			غیره	
غیر		همچنین	شرایط	یاد
	یعنی اشیاء	که	دیگر. نیز	غیر
	اقامه	صعید	قلیل	
		غیره که هر يك	این عناوین	
-	هر		که	
به	یا	به خویشان	به	غیره چنانچه
			یاد	
				دین
-	دین	یعنی	که	دین نیست یا
دین یا	به دیگران	یا	یا	نظیر
	یا	یا به	یا	به
				یا
-	بیان	چه	اهل	یا نه . همچنین
-	دینی	عقاید	یا فقیه	یا
		حدیث . به	دیگر	اظهار
	به وسیله	هر	نیاز جامعه	بیان
	این مسأله	به	عینی	غیر
	کفایی خواهد			
-	هر	دنیوی	نیاز	
جامعه	مهندسی	رشته های	صنایع	همه اینان
	به	نیاز	همه	بلکه
نیاز به	زیادی	چنانچه	کفایی	به حرفه هایی که
احتیاج	بلکه	هر نیازی که	نانوایی	غیره

این نیست که	گرفته	های	کفایی گاهی	عینی
مسائل :	بلکه		بگیرد یا نه .	
-	که	یعنی طهارت	تحصیل طهارت	چهار زیر:
( روزانه	( هم	( یا نه .	( مجید، )	مستحاضه
-			زیر:	
(	( خانه	( کریم	( آیات	(
-			سه قطعه تمیز	اقامه
-	حیض	که حیض	گذشته .	
-		که بچه زاییده	دیده	
-	استحاضه	که غیر حیض	دیده	گذشته .
-	میت	که یا	به میت	به آنکه
هم	های سه گانه	غیر این	قطعه های	
-	تیمم	تیمم	هر	به
-	کفایی	به قبله	هر	یا
بچه	مسلمین	به قبله	یعنی به	خوابانیدن به
			که پاها	به قبله
-	کفایی	هر	که آگاهی	پیدا
	به سه		یعنی	که
-		هر	سه پارچه	پیراهن
	یعنی		شهادت	معرکه
-	میت	هر	که	هر
-	هر میت	زیر	به	قبله . بدین طریق که
رویش	به	قبله	دهند،	گانه :
				پهلوی
				همه
				کفایی
				مسلمین .

-	اولیای میت	تجهيزات	گانه	میتند	این	شوهر
-	همه	کفای	اولیاء،	این مسأله .	قید	طبقه
-	یا	که	یا	یا یکی	ها	یا
-	یا	یا	یا	یا غیر	همه این	ها
-	نیت	همه	بدین .	که باید یگانه	به	گرچه
-	نه غیر	.	.	یکی	زیر	.
(	.	.	.	.	.	.
(	به	.	.	.	.	.
(	اینکه	شایسته	.	.	.	.
(	شکرانه	های	.	.	.	.
(	.	.	.	.	.	.
(	که	.	.	.	.	.
(	بهشت	.	.	.	.	.
(	جهنم	.	.	.	.	.
(	دنیوی	.	.	.	.	.
(	مصیبت های دنیوی .	.	.	.	.	.
-	همه	همه	آخر	.	.	.
-	معین .	هر يك	نماز های روزانه	ظهر،	شرایط	.
-	به	فراهم	شرایط.	بین	جمعه	جمعه
-	تخیری	یعنی	مخیر	بین جمعه	شایدن	جمعه به
-	مساله	.	.	.	.	.
-	گیرد	جهت قبله	این	چهار	جبهه	حمله
-	شکسته	گرچه	.	بدین	که :	که
-	جبهه	دیگر بیابند	ظهرشان	ظهرشان	تنها	به

- همان تکبیر، هر یعنی شرایط شرایط
- حمله جبهه که ایستادن . این
- گره چه به قبله
- غیره همه طهارت
- یا به قبله نظیر: به قبله
- که قبله میت به قبله
- سایر که بریدن یا حیوانات به
- شکسته نمازهای چهار یعنی هر يك نمازهای ظهر
- باید
- آیات یعنی که به هنگام زلزله هر
- زمین یا دیگر، باید
- خانه کعبه . که باید
- ابراهیم علیه
- نمازهایی که
- یا این مساله
- یا اجیر بگیرد. همچنین
- نیابتا
- هر نمازهایی که هر هر که
- به هر هر یا آیت یا غیر آنها،
- یا تاخیر
- چه روزانه
- معین .
- هر که به واسطه عهد یا اجیر دیگران عهده
- گرفته هر همچنین که به واسطه
- به هر یا خیر دیگری که
- رنجیده زیرا این والدین
- که یکی چهار آیه یا دهد، یعنی: آیه
- آیه آیه
- هر که نداشته
- زیر
- ( آشامیدن .
- ( آمیزش
- ( یعنی به وسیله
- ( یعنی که یا حیض یا عهده
- ( به پیامبران ( ) . ( )
- (

( غلیظ یا غلیظ .

( مایعات یعنی آنها .

( اختیاری .

همه این همچنین هر هم

- سایر های معین .

- ادامه یعنی

چهارم

- شرایط نه : سه حیوانات

چهار به تفصیل زیر:

هشت زیر:

مساکن عاملین ها، بدهکارها، ها.

- بیرون عید رایج عید عید، یا ظهر

عید، عید .

- یعنی بیرون این یا تاخیر

- علیهم که بقية ( ) به هفت زیر،

ولایت غیبت باید به شرایط :

( غنیمت های ها.

( (یعنی های پیدا (

( (یعنی جواهرات دریایی .)

( زمینی که

( به که

( هر فواید عایدات غیر که سالیانه اضافه

یا تاخیر

- خواسته که باید یعنی که  
سه : این سه کیفیت این فریضه  
: سیزده فهرست همه به زیر  
: ( .  
( .  
( .  
( .  
( .  
( .  
( .  
( شدید .  
( اهم .  
( .  
به زیر :  
( .  
( .  
( .  
( .  
( .  
( تراشیدن یا چیدن یا .  
( .  
( .  
( .  
( یا سه .  
( روزهای .



- که یا عهد فقیر، به تخیر.
- که مصیبت خویشانش به وسیله قیچی یا چیز دیگر بدهد.
- که بدهد؛ یعنی یا یا به فقیر دهد، بگردد. سه همه
- که مصیبت شوهر خویشان مصیبت شوهر . بدهد؛ خراشیدن
- که یا همسرش چنانچه
- که به کشته بدهد؛ یعنی هم هم بگردد هم به فقیر دهد، پیدا .
- که يك یا نوشیدن بدهد. به
- پیرمرد پیرزن که بدهند. به جهت یا زیاد
- به جهت یا آسیب رسیدن به بچه بدهند. شيرده جایی که همه يك
- بيست كيلو نیم يك .
- : همه آنها خانه یا یعنی کارهایی که پرهیز آنها جداگانه به نوشته آنها اینجا نکردیم .
- به (یعنی) به فرایض (الهی)
- به وسیله غیر
- به وسیله ملایم غیر ملایم
- به وسیله شدید، گرچه به
- مرتبه همه همه وظیفه
- نهی یعنی
- به نهی
- جلوگیری هر دین الهی که تکوین
- ازاله یافته
- مقابله تهاجم فرهنگی سیاسی یا که
- به حقیقت



-	قوانین آنکه	اهانت به میان	خاصه	هر	دین	دین داشته
-		هر	به قبله یا	به قبله	چه	یا
-					به	محید
	همچنین مسأله	به	پیامبر	علیه آله	شریفه ائمه اطهار علیهم	این
-	این یکسانند،	هر	میان عیب	همچنین	همه	
-	مکه مکرمه		گروه‌های یاد	عظیم	یعنی	
-			علیه آله مدینه			
-	آیه	آیات چهارگانه (	(آیه	تنزیل آیه	آیه	این ها
-			به			
-		عید	عید			
-		ایام تشویق یعنی	حجه	غیر		
-		که نیست	یا	به		
-			شوهر			
-			والدین			
-		یا	آنکه	که	بگیرد. نیز	
-	هم خواهد	که	توجه به	داشته	هر	که
-		یعنی	هم	سینه نهادن	که به	تشریح
-	یا نه	دهد؛	نیست بین	یومیه	غیر یومیه	آیا این
-						
-	یا	آمین	مأمومین	به	تشریح	همچنین آمین
-				این		
-		نمازهای یومیه	گرچه	نماید.		
-	یا	یا به وسیله	قبله یا	غیر	یا قهقهه	یا گریه
-	دنیا، یا	که	یا	آشامیدن یا	اینها،	
-			که	عینی یا کفایی		
-		سایر تجهیزات	میت	چه	بگیرد یا	دیگران مسأله

- ریا یا به انگیزه بدین که ریا به توجه یا  
یا یا یا ریا این هم

- چهارم چه آنکه هر یعنی نهم همین  
- هر يك بیست چهارگانه که نامیده آنها :

( صید حیوان غیر دریایی زمینی یا هوایی .

( شهوت یا شهوت آمیز .

( یا یا دیگران نیز شاهد .

( که مستقیماً هم .

( پوشیدن دوخته .

( سرمه سیاه به کشیدن .

( آینه .

( پوشیدن هایی که .

( مجادله یعنی به کلمه یعنی نفیاً چه یا .

( حیوانات گرچه .

( به زینت .

( آرایش .

( زایل موهای به وسیله تراشیدن غیر هر .

( زیر سایه پیمودن مسیر چه یا ماشین یا هواپیما .

( بیرون گرچه به وسیله یا کشیدن .

( یا یا )  
 ( کشیدن گرچه هم نیاید .  
 ( ها های .  
 ( به یا .  
 فقہ

- به هر نیز حریمهای مطهر معصومین علیهم  
 یا مجید نیز گرفته ائمه معصومین علیهم که هتک  
 به هر طریقی

- تخریب تعطیل آنها آنها؛ تبدیل به یا

- غیر به مسلمین اهانت یا آنکه

: مسایل

- یا همسر که  
 معصیت

- حریم خویشان هر که  
 چنین گاهی جایز گاهی

- صلہ یعنی والدین دیدار، مکاتبه سایر  
 که آنها همچنین سایر این والدین

- والدین یعنی اذیت همچنین اذیت  
 اذیت آنها که به غیر خواسته های آنها که

- یعنی بریدن جهت خویشان که جمله  
 هر چه ها هر چه پایین رابطه بریدن هر يك که آنها فقیر

- ولایت غیر غیر گرچه  
 که نیز ولایت آنها  
 تربیت تعلیم تاعدیب آنها نفقه هزینه آنها  
 نداشته به

- هر هدف نظیر یا  
 تربیتش یا اتهام یا غیر آنها، هر که  
 دیگر

- توصیه این . ولایت غیر غیر آنها
- مجانین هر منین دیگر رسیدگی ایتمام به
- البته این مرحله اولویت .
- تهیه
- بلکه نیاز چه یا مساله
- نیز تهیه یا
- نفقه زوجه گرچه دهد. که
- غیر به آمیزش نتیجه حیض یا حیض ملزومه دهد. یکی نماید، این
- نفقه دهد. دیگر دیگیری
- هم که زوجه نامیده گرچه هم
- شوهر شوهر نکه که شوهرش
- توبه یا
- اظهار عیوب چهارگانه به هنگام آنها :
- ( دیوانگی هر .
- ( بیضتین یا آنها.
- (
- ( عنین یعنی آمیزش .
- اظهار هر يك عیوب هفت گانه زیر به هنگام .
- ( دیوانگی .
- (
- (
- (
- (
- ( نابیایی .
- (

- هر يك به يكديگر، عهده گرفته نظیر: تعليم به عهده يا عهده  
يا غيره چه ديگر
- تمکين هر گونه چه يا غير
- تاءمين هزينه قبييل : ... به  
محيط همچنين به نفقه ايام زجعيه .
- همسر، شوهر  
به که ( )
- هر تاءمين نفقه هر چه که  
آنها فقير .
- مهریه تعيين آميزش هم مطالبه شوهر، گرچه هم نداشته  
يعنی مهریه تعيين آميزش بايد آميزش بايد  
مهریه تعيين آميزش بايد مهریه تعيين  
آميزش هم چیزی نيست آنکه همين دهد که بايد چیزی  
به بدهد. متعه گویند. مهریه يا يا
- همخوابگی (نه همسر ) که يك  
که همخوابی یکی بايد ديگر ديگری ها همچنين  
سه يا چهار داشته به همخوابگی بايد . مساله
- نگهداشتن شوهری که همبستر  
يا غير جدایی يا اختیاری اين ها بايد  
نگه گرچه ها همچنين که قهرا چنانچه
- زیر :
- ( شوهر قهرا )
- ( که هر شوهر قهرا به هم )
- ( به وسيله شیر به بچه اين ها نیز بايد ننگه به  
شیر دهد که )
- نگهداشتن شوهر، گرچه همبستر چه يا
- زينت آرايش شوهر، چه آرايش سرمه  
يا غير پوشیدن های زينتی چه ايام عيد يا ديگر .

- نگاهداشتن که غیر شوهر اشتباها همبستر که باید آمیزش یا نه .
- نگاه شوهرش نیز گزیند، بدین جهت که اشتباهی
- پابندی به زوجیت شوهر، نیز پابندی شوهر به قبیله خانۀ شوهر، نظیر نفه
- ایدایی بدین که به ایدا شکسته، آمیزش یاد که
- بیش چهار یا همیشه همبستر همبستر ایدایی گویند.
- خویشان به زورگویی : آنها،
- دیگران به وظایف شوهر، موجه .
- وظایف به وظایف
- همبستر زوجه یا رسیدن به چه
- زناشویی ایام حیض یا این طرفین شدید
- پنهان این بچه که نیاز به نظیر به آنکه حیض یا یا نه
- اذیت بدین که دهد بگردد، یا اینکه
- تدلیس یعنی تعریف توصیف دروغین به عیب یا تعریف به که عیب های این یا
- غیر آنها. این عیب های که عیب هایی که اختیار
- همسر زیرا این هر که یا یا نایب
- همسر اهل که همسر یا همسر جدید که یابد، جایی که نیست بنابراین
- یا شیعه یا که نیاورده نیست .

- یعنی هفت زیر:
- ( هر چه
- ( هر چه پایین
- ( خواهر، چه یا تنها یا تنها.
- ( چه یا تنها، یا تنها؛ های هر چه پایین
- (ه) خواهر، چه خواهر یا تنها یا تنها، های خواهر، هر چه پایین
- ( عمه عمه عمه هر چه
- ( خاله خاله خاله هر چه
- طوایف هفت گانه که زنایی زنایی
- هكذا
- طوایف هفت گانه که جهت شیر
- هفت نظیر آنچه به گفته :
- ( هر چه پایین
- ( هر چه
- ( یا تنها یا تنها.
- های
- (ه) خواهر های خواهر
- ( هر چه
- ( دایی دایی دایی هر چه
- هفت که
- ...
- هفت
- خواهر، دایی که
- ریبیه یعنی شوهر یا شوهر های به
- که همبستر
- هر چه به
- یعنی عیال

-	شوهر، هر چه	.			
-	پایین	.	دیگر	شوهر های هر چه	به
-		.	خواهر يك	چه همزمان	یا فاصله که این
-		.	خواهر		
-	یا نیستند.	.	خواهر که نیست یعنی	چه طفولیت	خواهر
-		.	بیشتر به	جایی که چهار	داشته
-		.	بیشتر	که	عادلانہ
-	اهل	.	غیر اهل	هر	همچنین
-		.	غیر	اهل	یا غیر
-	نظیر:	.	یا	یا جهاد	شوهر، استثنایی
-	عینی	.	یا	یا	جهاد ابتدایی
-	یقین به	.	یعنی	که	به
-	شیردادن	.	یعنی نگهداری	یا	نیز
-	تحمیل شیر	.	رضایتش چه	یا	دیگران
-	به بیش	.	وظیفه	یا	همچنین تحمیل
-	همسری بیرون	.	سه طلاقه	يك	این صحیح
-	صحیح	.	سه طلاقه	که دیگری	سه همبستر
-	به واسطه	.	بگیرد	همسر	
-	یا آنکه به	.	که شوهرش	چهار	که به شوهر پیدا
-	یا	.	مراجعه دهد		پیدا



- چهار یا ایلاء یعنی به ایذاء این بیان آمیزش به هم بیش
- زوجه یعنی بلکه نباید دهد هر یقین به یا یا دیگران گرچه چه آنکه
- آنکه به وسیله اقامه چهار شاهد یا به وسیله
- که
- دهد، یا پیش هر که به
- های چهارگانه که این هر به یکدیگر
- که نه گفته هر سه مطلقه رساله های
- دیگر عملیه
- زوجیت شوهردار یا که دیگران هر
- به مساله به یکدیگر گرچه شوهر بمیرد یا دهد
- زیرا به که حیات شوهرش یا رجعیه شوهر
- بدهد بینه یعنی به که یا
- هم
- خاله عمه که آنها مساله
- ظاهر های ظاهر آرایش زینت سایر
- ها ظاهر : ظاهر
- همسران
- 
- 
- 
- 
- مجانین دیوانگان
- جایی که به پیری جاذبه به آنکه آرایش
- بچه های غیربالغ
- به شهوت به غیر که به شهوت یا به نهی

به	شہوت .	های	آنها: هم چنین	به
-	یا	غیر	که به	چه به شہوت
-	نامہ	آمیزش غیر	همچنین	شفاہی قبیل : شہوت بوسیلہ
-	همچنین	همجنس	نیز	بوسیدن : به شہوت
-	شہوت، چہ ہر	مساحقہ یا همجنس	چہ طرفین	یکدیگر یا چہ شوہر دار یا
-	چنین	این	گفتہ	ہم
-	خوابیدن	عریان	زیر يك	یا عریان زیر يك کہ
-	خویش	یا	ہم	همچنین خوابیدن
-	زیر يك	ہر	این گناہان	کیفر
-	قیادت یا واسطہ	میان	یا	یا مساحقہ .
-	بالجملہ	شہوانی	( ہمسر )	شہوانی
-	وسیلہ	غیر، حیوان	یا	یا غیر
-	عورتین	غیر ہمسر	ہر	کہ بہ تشخیص رسیدہ
-	غیر	غیر ممیز، غیر	ہمسر، غیر	چہ یا چہ یا
-	قابلہ	غیر شوہرش	چہ	یا
-	ہمسرش	آیندہ	ہر طریق کہ	نیروی
-	ہم	جنین	بین	نطفہ چہ اوایل
-	معاینہ	معالجہ	زایمان	دیگر کہ نیاز بہ

-	همه	که	به	یابد،
	چهارم : مسایل			
	غیره			
-	هر	به	سایر	تأمین هزینه
عائله	بدهی ها،	به	که	دیگری تامین
	هر	هویت	به	تامین اهداف
-	زمین های	ها	اصلیه	به
دیگران	هر	بیش	نیاز	که
-	یا	رها	یا	یعنی اینکه
		دهد	دیگران	بیش
				به
				که
-	تذیر؛ یعنی			
-	تامین	حیوانات	آنها	نظیر:
غیره	به	تهیه	یا	چرانیدن
				وگرنه
-	بریدن حیوان	تذکیه	به	غیر
به	به	گوساله	چیزهایی	که
تکلیفی	حیوان		پیر ... این	آنها
-	به	چه	یا	دیگر گرفته
			هر	عیب
			ثانیا؛	که
			بچه	سایر عایدات
قیمت	حاصله	: شیر،		
-	دیگران	گرچه	غیر	طریق
که	نگهداشتن	به		
-	قیمت	عادل	یا	عین
سکه	این	یا	رودخانه	یا
			خیلولة	گویند.
-	همه	که	به	آنها
هر	یعنی	به	وسیل	به
هر يك	مطالبه	مطالبه	مطالبه	مطالبه
به	نماید.	به	منتهی	که
	دهم	مطالبه	هر يك	آنها
تهیه	بدهد	باید	قیمت	به
			حیلولة	
-	تعریف	لقطه	یعنی	که
یابنده	به	رسیده	يك	تعریف
	تعریف	میان	کفایی	عینی

-	گرفته	چه شیر	لقیط یعنی چه غیر ممیز	که چه ممیز	هر	رها
-	یا بیگانه	زیر:	چه	یا	چه گیرنده	دهنده خویشان
-	گیرنده					
-	گیرنده	دهنده	این	گیرنده جایز		
-	میان	هر يك بگيرد يا بدهد.				
-	میان	شوهر، هر يك بگيرد يا بدهد.				
-	به	معامله یعنی	به	دیگر، یا	به	مضاربه
-	مزارعه	یا دیگر، دریافت	یا وسایط نقلیه یا ناحیه	غیره همچنین		
-	قرینه	رضایت به	دیگری	رضایت	یا	خانه یا دیگر، آنکه
-	هر فقیر یا	رضایت داشته	یا	رضایت	یا	تردید رضایت که
-						
-	میوه ها ریخته	گرچه رضایت	یعنی	یا	میوه	آنچه زیر
-	خانه ها	خانه هایی که		آنها		خانه های
-	خانه های	زیرا	خواهران	عمه ها، دایی ها، خاله ها، خانه هایی که کلیدش	این خانه ها	رضایت آنها.
-	تحجیر	راهن	یعنی	چه	دیگری هم	دهد یا نه
-	دیگران به	که	نظیر	که	یا	نظیر زمین
-	نظیر	حريم دیگر که	که	گذاشته	رضایت گیرنده	یا
-	یا				همسایه غیره	
-	که	ها	ها	کوچه های	نه	یا دیگر،

- که به عابرين .
- لقطه حیوانی : غیره که شهر  
به وسیله یا نظیر: گاومیش
- مجهول غیر لقطه چه چه  
دیگر.
- یعنی اینکه به مخفیانه بدهکار که بدهکار  
نداشته
- فقیر به سید به که بدهکار این شرعیه  
آنکه مسلمین دهد.
- : مسایل ها، ها و وسایل
- هر توجه هر آشامیدنی که  
یا
- به هر وسیله هجوم چه مهاجم یا  
حیوان یا دیگر، هر به هلاکت حمله
- دیگر حیوانات دریایی غیر ماهی های هر  
نیز حیوان
- تذکيه حیوانات به های دیگر تذکيه حیوانات  
به سایر . تذکيه هر حیوان باید به که
- یعنی : تذکيه به حیوانات به بریدن حیوانات به صید  
حیوانات دریایی به بیرون یا تذکيه  
نظیر آنکه چاهی بیفتد جایز آهن یا تذکيه جایی  
که تذکيه
- میته یعنی حیوانی که تذکيه چه اهلی یا چه  
صحرايي یا دریایی حیوانی که خفه یا به گشته یا یا به  
وسيله حیوان دیگر یا گرفته یا به ها سربریده
- جایی که به تذکيه آنها یافت نیست میته  
میان آنکه یا میته حیوانات دریایی های دیگر میته نظیر
- که گرفته . حیوان هم که غیر مسلمین گرفته  
همچنین که گرفته .
- حیوانات زمینی هوایی چه  
یا قورباغه ... غیر که
- گربه حیوانات اهلی .

- شیر، ...
- یعنی حیواناتی که طغیانگران سابقه نتیجه قهار، به آنها : فیل میمون ...
- شاهین :
- ها، چه سیاه یا یا غیر اینها، این مساله
- که همیشه یا بیشتر ها بالهای که چینه مهمیز آنها که دلیل حلیت آنها
- حیوان یعنی حیوان که به این که حیوان بسته پاکیزگی نیافته
- حیوان که همچنین
- شیر یا
- ذبیحه یعنی حیوانی که به طریق تذکیه آنها :
- بچه های حیوان نخودهای که میان تیره که های زهره حلقه
- پاهای البته اینها
- آشامیدن : میته هر مایع دیگر.
- آشامیدن چیزهای که به وسیله عین
- هر چیزی که آشامیدن یا تزریق یا چه یا مالیدن یا نیورد، بینی یا پوشیدن که
- که آنها
- آشامیدن یعنی گرچه نیورد.
- آشامیدن که به وسیله جوشیده هنوز هم چنین به وسیله یا به غلیان پیدا
- آشامیدن هر چیزی که به هر گونه چیزی که یا یا همچنین
- هر نیرویی نیروهای هر چیزی که به موجه نیز
- هر یا زیاد.

- طبیات الهی  
 طبیات یعنی هر گونه هر  
 پاکیزه هر مواهب طبیعی الهی که  
 که این پرهیز به آنکه حیوانی یا هر .

: مسایل ایقاعات قراردادهای

- هر به پیمان ها تعهدات . پیمان های سه  
 :

( پیمان هایی که بسته : که به وسیله پیامبران  
 یا آنها پیمان گرفته .

( پیمان هایی که هر : یا عهد اینکه یا

( تعهداتی که یکدیگر طرفه ( ) يك طرفه (ایقاع )  
 نمه غیره .

همه جمله خواهد . عهد میثاق نامیده به همه شرایط مصادیق هر يك

- طرفین هر  
 صیغه یا یعنی میان که رضایت هر .

گونه :

هیچ يك طرفین به

هر هرگاه بخواید بهم . هر چه  
 دلیلی نداشته باشیم به

اینجا به کنیم :

( يك ) مبیعه یعنی خرید که خریدار، بهای معین تحویل تمامیت فروخته تحویل هر يك  
 دهد

( که دهنده تحویل وجه تحویل دهنده، یعنی عین هر يك  
 اجیر وجه تحویل دهد .

( سه ) که علیه تغییر تحویل عین موقوفه تمامیت چنانچه دیگران  
 یا تغییر چه مدرسه یا غیر

( چهارم ) که که یا بدهی یا  
 مصالحه

( وصیت که	یا به اینکه به	یا	وصیت	پذیرفتن	تغییر دهند، یا شرایط
دیگر	ندهند، چنانچه	حیف	تاخیر	یا هدف وصیت	
کنید، یا		نکنید یا	معصیت	آنکه وصیت	
			نمایید.		
(	که	طرفین	تمامیت این پیمان	وظایف	
هر يك	وظایف	عهد	.		
هفت) مزارعه	یعنی معامله	که	زمین	دیگر متعهد	
به		که	طرفین معامله	تمامیت	
	این عهد نیز	.			
هشت) (	یعنی معامله	که	اختیار		
عهده آبیاری تربیت			طرفین		
نمایند به هم	عهد	.			
نه) رهن یعنی	بدهی	که	بدهکار	تمامیت	رهن عین مرهونه
تحویل	دهد	به	وثیقه دین	هر يك	عین مرهونه
	رضایت	طرفین .	نگه		
( مسابقه که	تعیین خصوصیات	معین	جایزه	همچنین تیراندازی تجویز	عهد .
یازده) (	یعنی	بدهی	دیگر	به عهده بگیرد، که	تمامیت
بدهکار	بدهکار	تضمین	به	این	.
( حواله	یعنی اینکه بدهکار	به	دیگر حواله دهد	حواله	
پذیرفتند،	حواله	.			
سیزده) (	یعنی اینکه	معتهد	که	یا دیه	یا بدهی دیگر به
هر	که	بخواهد	.	هر	که
یا بدهکار	یا بدهکار		دیه	بدهی دیگری دیگر	.
چهارده) هبه (	این	که يك	جایز	بخشیده	
زیر که	رسیدن به	گیرنده	:		
( هبه	یعنی اینکه	چیزی به دیگری	هم	چیزی به	یا
چیزی به دیگری	به	اینکه	هم چیزی به	هنوز بخشیده	.
( هبه به	.				
( هبه به	خویشان .				
(	که	بخشیده	هبه گیرنده	.	
ه) جای که هبه	گیرنده	.			
(	که واهب	خواهد	.		



( جایی که هبه گیرنده ورثه خواهند بگیرند؛ غیر به هم هبه نیست چنانچه به هم سایر های جایز هم نیست : مضاربه ودیعه عاریه رهن گیرنده رهن غیره .

- چه ایقاع گویند؛ یعنی تعهدات يك جانبه چنانچه به هم . مصادیق ایقاع خواهد . تمامیت
- صحیح یعنی به
- به یعنی به عهده
- به عهد، یعنی معاهده هر يك این سه مساله که
- که یمین نامیده یعنی که گویا دریای
- ودیعه های که به اختیار گیرد؛ ودیعه مضاربه مزارعه
- نظیر پیدا پیدا های یعنی که به اختیار گرفته آنها به خریدار
- توفیه یعنی به یا یا رویت یا غیر آنها؛ صحیح یا سهم علیهم تقسیم بدهی
- تادیه بدهی ها رسیدن مطالبه بدهی های که به دلیل غیره یا بدکار، بدهی عهده نظیر بدهی های
- الجعاله بگوید هر ماشین پیدا ماشین دینار که الجعاله گویند، دینار به دهم پیدا تحویل باید
- همه تقسیم چیزی هم هر يك آنها؛ به آنکه تقسیم به
- هر به یا به که این بچه بمیرد، نه به تربیت هزینه
- فقیر نفقه

-	تعقیب	مهلت	به بدهکار،	جایی که	بدهکار،	دین	
		به محاکمه کشیدن	یا	به	مستثنیات دین یعنی		
		: خانه	غیره .				
-	دیون	هر	نزدیک	جهت	دیعہ ہا		
	یا	الہی	: نمازها	ہای			
		ورثہ					
-	آنکہ	یعنی	کہ	ندہد؛	حین	نیز	نداشته یا
		مسالہ					
-		گیرندہ	عاریہ	این	عین		
		ہمچنین					
-		یعنی	کہ	ممنوعیت	بہ		
		کہ		خانہ			
-	خیانت یعنی	تفریط	دیگران	چہ	یا	یعنی	
	غیر	یا کوتاہی	بہ	کہ	یا		
	نیز	این	نیز				
-	ہر یک	یا	دیگر،				
		متفرقہ					
-	یعنی	دیدن	حقیر	این			
	چہ این	بہ	بدانیم یا آنکہ	بہ			
	ندانیم چنانچہ ظاہر	نیز	ہر				
-	ورزیدن یعنی	این	رضایت بہ	اظہار			
-	یاعس نومیدی	یعنی	این	ادامہ	ازالہ		
	یا کہ	یابد، چنانچہ	گفتہ				
-	ایمنی	بیانی کہ	یاعس گفتہ				
-	بین دیگران	یا	دیگران	یا کيفرش	تقسیم	یا	
	مصیبت های	غیر اینها. این	نیز	گاهی	بہ		
-	رضایت بہ	الہی	بہ	یا بہ دیگران			
	این						
-	بہ	ترتیب	یا				

- وسیله تکلیفی یا دیگران تبعیت یا تکلیف یا نماید؛ یا دین یا بخواد به عهده یا که یا که بگوید
- به وسیله پوشیدن های به وسیله پوشیدن های مساله .
- آرایش زینت : حلقه های به زینت .
- چه یا چه یا دیگر، غیر هیچ يك هم چه نیست .
- هر ابریشم عرغچین دیسنگش غیره چه یا دیگر، هم همه اینها
- هتک که گاهی به مجید های پیامبر ائمه علیهم که گاهی
- هتک اهانت به کعبه معظمه ائمه اطهار علیهم همچنین اهانت به دینی نهج صحیفه سجادیه الشیعه همچنین اهانت به فقهای به اهانت به ایام که اهانت به دین مذهب تشیع .
- هر غیر آشامیدن یا هر سینی دیگر .
- مجسمه های یا حیوانات .
- تنتجیم یعنی تاءثیر زمین
- زیر ترانه که هر همراه
- که کیفیت : لهو ویالون پیانو غیره آنها؛
- به پیامبر این یا دیگر . علبه آله ائمه اطهار علیهم چه این شدیدتر یا سایر ها که نیز



-	یعنی دزدیدن غیر،	نظیر آنکه بدهکار	به	بدهی
	دهد هیچ راهی	این	به	
-	تهمت به	قبیحی به	اینکه	یا به
-	استهزا			
-	قبیح	نهادن		
-	اذیت			
-	یتیم مسکین	ایذا		
-	یا	مساله		
-	به جهت مصیبت یا	عیب	غیره	
-	هر	بلکه هر حیوان	حیوانات	گاهی
-	یعنی هر	که	ریختنش تجویز	نیز
	ها، معاهدها	ها، یعنی	که	به آنها
	یا پناهندگی			مصونیت
-	به	یا	دیوار،	رضایت
-	عقاید	به	ایذا	
-	غیبت	غیر متظاهر به	یعنی عیوب نقایص	
	چه	یا	یا طریق دیگر	رضایت
-	نیمه یعنی	چینی	فتنه انگیزی میان	یا
	دیگر		یا بیشتر، که	میان آنها
-	به	یعنی	یا	
	دیگر؛	به واسطه	یا	استهزای
	یا	آنها.	به	زیرگوشی یا
-	اشاعه	یعنی	میان	منین
	به	گناهی شایع	کارهای	گناهان
-	به	همچنین	که	مساله
	به	مسلمین	خاصه	

-	این کارها	به	به	جلوگیری	الهی	آنها نیز
-	آنها؛ های مسلمین	این قبیل که	ایجاد	حسنه فرهنگی سیاسی	به	نیز های عقاید
-	تعریف	تقیه یا	غیر	نیز تعریف	به	بیش
-	نهادن به	نیکی	مساله			
-	فریب	به وسیله	یا کشیدن			
-	خیانت	یعنی به				
-	یعنی یاری					
-	یا دیگر،	که گاهی که	گاهی	یعنی اظهار	یا ایمان یا اظهار	
-	نیاز	یعنی	نگهداری	سایر	به	
-	همسایه که	ایذاء				
-	وسایل	تولید تولید توزیع	تهیه تولیدات آنها،	هر فعالیت	این قبیل کارفرمایی	چه
-	به خرید	وسایط نقلیه	آنها. همچنین	همچنین دریافت	هر عایداتی که	این ها بیاید.
-	وسایل شیمیایی جلوگیری	بین وسایل وسایلی که	ابزارهای وسایل	نظیر جیب ایذا	لهو قتاله یا آنکه	که
-	باید شبه	هر همه پرهیز	مشتبه به یا همه بشوید؛	یکی یکی	یکی این یا سه	یا دیگران
-	یا	هر باید هر بدهی به هر	احتیاط باید هر بدهد.	مشتبه به یا	یکی بدهکار	باید هر
-	که	به	یعنی رعایت	چیزی	یا	يك

هنوز هم

یا نه باید دهد؛ یا

یا نه باید بگوید

- که : - - - - -  
 - مایع - - - - -  
 - آنها باید پرهیز . هر - - - - -  
 به اینها هم الهی نزدیک شیطاین .  
 - توبه هر یعنی هر چه تاءخیر بیندازد، پیش  
 توبه هم .  
 - فقیه یا یا شهادت شاهد، یا  
 یا های یا های رویدادها، یا غیر اینها؛ به  
 گوینده یا یا یا به .  
 - ختنه اولیاء نگرفته . چنانچه  
 که گرچه پیر .  
 - باید به صیغه علیکم گرچه باید که  
 بگوید . دیگر

#### هشتم : مسایل ولایت

- ولایت به عهده رهبری واجدین شرایط این  
 غیبت . چنانچه شرایط يك عینی  
 کفایی .  
 - اهل یعنی که فقیه مجتهد  
 به شرایط ولایت تعیین  
 میان آنها نمایند به چنانچه تعیین آنها بپذیرند.  
 - های ولایی مسلمین پیامبر  
 علیه آله ائمه هدی علیهم  
 امیر علیه به فقهای آنها به  
 غیبت قبیل به نظیر ارتشیان ائمه  
 جمعه سایر یا های دیگر، نظیر غیره ( ولایی  
 مقدمه ) .  
 - که مجتهدی غیر تقلید تقلید  
 تبعیت که این .  
 - که صلاحیت ولایت .  
 - مسلمین پذیرفتن بیعت بدین یا  
 بخواد بیعت معاهده نمایند که توحیدشان به یا

- دهند، بپذیرد بیعت آنها نماید. این بیعت ایمان آنها نیست بلکه تاکید تقویت عقاید تحکیم به
- جهاد یعنی منطقه به برخیزد این جهاد،
  - جبهه ابتدایی یا یافتن بهتر یا به سایر
  - تقویت ایجاد تفرقه بین مسلمین پایگاه توطئه اینها، به هر طریقی که تکیه سایر ابنیه خیریه .
  - جهاد الهی چه به وسیله آنها چه جهاد ابتدایی یا هر دیگران هر یا تهدید یا تطمیع نیز تحریص ترغیب
  - فراهم تهیه نیرو و وسایل ابزارهای وسایط نقلیه سپاهیان که هزینه بیت یا بیت کفایی مسلمین تهیه نماید. ثانیا متوجه به
  - محاربه جنگیدن یعنی که علیه یا قیام به طغیان برخیزند، این جهاد ابتدایی شرایط
  - تحویل به مسلمین که گرفته
  - عامه که مبسوط‌الید یعنی اختیار رئیس که جامعه آنها به زیر :
  - زمین های که نداشته یا داشته
  - دریاها نهرهای که آنها
  - قله ها ها میان ها
  - خالصه سلاطین آنها آنکه به که معین
  - نفیس
  - همه که گرفته
  - جمیع که
  - که



- مفاهیم مسلمین به هر فرقه که بخواهند دین شنیدن آنها به جایگاهشان تضمین . این باید زیر یابد.
- که گناهان کبیره یا غیر کبیره الهی یعنی پیاده کفیری ( تعزیرات ) که عینی یا کفایی عینی که که که که کفایی .
- بدین که پذیرفته های این ها، یعنی های چهارگانه : حجه به رسیدن این ها پیشنهاد که پذیرفته نماید.
- عینی نیز عینی هر شرایط پذیرفتن که مسلمین نماید نیز عینی پذیرفتن به پیشنهاد، چنانچه شرایط به غیر این کفایی .
- که هر متخصصین به
- به بین طرفین به عادات عدلانه هر هر عقایات شرعیات عرفیات . همچنین اظهار نظرهای هر هر چیز
- منازعه بین رعایت رعایت
- پذیرفتن مشاهده به شهادت آینده . این مرحله شهادت همچنین یافتن شهادت چنانچه شاهد يك شهادت عینی کفایی شهادت موجه .
- هر شهادت به گواهی عادلانه طریق مستقیم به هیچ دلیلی
- شهود یعنی گواهان محاکمه به وسیله شهادت شاهدها، به یا یا یا دیه یا دیه جنایت آنها استیفاء آنها به هر وسیله به نمایند . بدین که یا دیه آنها استیفا نمایند.
- که جنایت دیگران به جنایات جنایات یا دیه جنایات از الة نیروی نظیر نابینا یا دیگران . همچنین دیه غیر
- دیه که جمعیت گشته نیست دیه هر که این دیه ها، بیت به ورثه

-	ترویج محیطی	زمین به وسیله های دهنده،	عقاید، تغییر	قوانین	دیگر کارهایی که امنیت	سلطه
-	تظاهرشان به این	یعنی متهم . جایی که	یا نداشتند	یا محصنه به	نداشته	که
-	این متهم	به وسیله چهار شاهد، یا چهار	متهم	جایی که تهمت	متهم	جایز
-	محاربه یعنی به	یا به	غیره .	ایجاد	به واسطه	
-	مقاتله محیط به مکه معظمه	الهی منطقه	بیضی	که به تقریبی	تقریبی	کیلومتر.
-	ابزارهای مسلمین بلکه	وسایط نقلیه هر چیزی که	سایر تقویت	تضعیف	ها	این
-	مراجعه متخاصمین به	یعنی طرفین	که شرایط آنچه به	گرفته	یا	گرچه گیرنده به
-	دهنده چه نداشتند	یا آنکه	چنانچه دهنده	به رسیدن به	به	یا به راهی نیست بین آنکه به
-	غیر هم به	غلبه به یکی	یعنی	به	به	
-	علیه غایب	چهار	شهادت به	غایب		
-	نماید، یا بیش	معین به	اینکه یا	شکنجه	یا	
-	ظاهر	یا جنایت دیگری زوجیت	که شیر	بچه	ملکیت	داشته یا تیرئه گناهی .
						خاتمه

رابطه	فقہ	آشنایی به مسایل	به	زیر توجه	:	مقدمه	فقہ هر يك
ها	های	به تقسیمات	که	این		مطالعه	
		کیفیت					
		آنها					
	تقسیمات						
-	غیری						
-	که	رسیدن به	دیگر،	غیری			
-	که	رسیدن به	دیگر	غیره . این			
		نیز گویند.					
-							
	که باید	به	نیت	خواهد			
	که	گرچه به نیت		چیز			
-	عینی کفایی						
	عینی	که هر يك	مکلفین	خواسته			
	کفایی	که يك	معین	يك	خواسته	يك	میت
-	تعیینی تخییری						
	تعیینی	که يك	معین	خواسته			
	تخییری	که یکی	یا سه	یا بیشتر، به	تخییر	خواسته	جمعه
	یا	ظهر،					
-							
	که	قید	که	به			
-							
	آنکه	بخوانند،	دین	رسیده	یا	به مکه	ایام
	آینده						که
-							
		که					
	ببیند که وسایل	تهیه نماید،	این	رسیده	یا	به مکه	ایام
	نیز	نیکي	نیکي	نیکي			تهیه
	غیر اینها	گرچه	هم				پرهیز

که يك الطاعه پیامبر علیه آله یا علیه یا آنها  
 ولایی یعنی به هدایت به يك دیگری دهد. این کارها  
 به ایجاب

- مضيق

دهد، هر جمع که باید ظهر که وسیع ظهر که مضيق یا یا که نه  
 هر جمع که باید ظهر جمع که گنجایش نه گیرد.  
 غیر

رسیده گوید هر بخوای که باید تاخیر نمازهای یومیه که بدهی هایی که  
 غیر

هر که به چنانچه هر قهرا به نهی به  
 این گاهی به نیز يك هر يك آنکه گفته دیگری نیز

الهی نیز به آنها به تقسیم : هم که این تقسیمات این که

کبیره صغیره یعنی گناهان يك نیستند، بلکه جهت به کبیره صغیره تقسیم . این تقسیم به يك زیرا تردید، همه گناهان نتیجه نیز به ظاهر صریح

بدین جهت آنچه احادیث تشخیص گناهان کبیره سه زیر میزان :

( روایات کبیره آنها

( به آنها

( مسلمین متدینین هر گناهی که این سه صغیره این تقسیم یکی عناوین کبیره همه گناهان کبیره چه آنکه بذاته عصیان طغیان به الهی حریم

داشته  
چهار کبیره  
یا

عناوین  
زایل

. گرچه به

این بسیار

نواهی

همه گناهان

نماید.

که به واسطه توبه

صغیره

پایان .